

مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی و فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان سنندج)

یعقوب احمدی^۱ * پروین علی‌پور^۲

چکیده

مشارکت شهروندان در امور جامعه و کیفیت مشارکت آنان، نوعی ضرورت اجتماعی و از شاخص‌های مهم پیشرفت و نشانه توسعه‌یافتگی کشورهاست که به‌صورت سازه‌ای اجتماعی مبتنی بر بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد. این پژوهش با هدف تحلیل ساختاری فرهنگ شهروندی و تأثیر آن بر اجرای حقوق و تکالیف شهروندی در میان شهروندان سنندجی، به روش توصیفی و با تکنیک پیمایش انجام پذیرفته است. پرسشنامه محقق‌ساخته دارای اعتبار و پایایی مناسب به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در میان ۴۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر سنندج توزیع شد. یافته‌ها نشان داد میانگین نمرات شهروندان سنندجی در نمره نگرش به وضعیت تعلق شهروندی در اجتماع ایرانی پایین‌تر از میانگین سایر مؤلفه‌های شهروندی است. در رتبه بعدی نمره میانگین عضویت و حس تعلق به اجتماع ایرانی (سنجش تعلق عینی شهروندی) قرار دارد که به تبعیت از وضعیت ذهنی این بعد نیز پایین‌تر از متوسط بوده و حکایت از آن دارد که شهروندان سنندجی عمدتاً و در درجه اول خود را متعلق به اجتماع محلی دانسته و سپس اجتماع ایرانی را مهم به شمار می‌آورند. یافته‌ها تحلیلی مطالعه نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مسئولیت‌پذیری و مشارکت، هویت اجتماعی، قانون‌مندی و آموزش شهروندی اثر مستقیم و معناداری بر فرهنگ شهروندی شهروندان سنندج داشته‌اند و همچنین خود فرهنگ شهروندی اثر معناداری بر رعایت حقوق شهروندی و انجام تکالیف شهروندی داشته است.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) (yahmadi@pnu.ac.ir)
۲. پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور (palipoor@ut.ac.ir)

واژگان کلیدی: فرهنگ شهروندی، حقوق شهروندی، آموزش شهروندی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی ♦ سال هفتم ♦ شماره بیست‌وششم ♦ بهار ۹۷ ♦ صص ۲۵۱-۲۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۱۷

مقدمه

در سال‌های اخیر، زمان و انرژی بسیاری از متفکران برای بحث در مورد دو مسئله مهم صرف شده است: نخست، حقوق اقلیت‌های قومی در جوامع چندقومیتی که به‌عنوان چندفرهنگ‌گرایی و سیاست به رسمیت شناختن مورد اشاره قرار می‌گیرد و دوم، مسئولیت‌های شهروند دموکراتیک که تا اندازه‌ای به‌عنوان فضیلت مدنی یا فرهنگ شهروندی معرفی می‌شود (Volpp, 2007: 575). شهروندی به تازگی در کانون توجه نظریات جامعه‌شناختی و علوم سیاسی قرار گرفته است. شکست توافقات پس از جنگ جهانی دوم و ظهور نگرش‌های جدید خارجی‌ستیزی در کشورهای غربی پرسش‌های جدی‌تری در رابطه با بحث شهروندی به همراه داشته است (Lija, 2011). شهروندی موضوعی مورد مناقشه و حساس است. تفاسیر و معانی مرتبط با شهروندی در جوامع مختلف و در زمان‌های متفاوت، متنوع بوده‌اند. همچنین شهروندی به تازگی به مفهوم مرکزی در فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و به‌طور عام علوم انسانی بدل شده است. شهروندی چارچوبی است برای رشد و تقویت مبانی استقلال فردی و به تبع آن، ترویج دموکراسی. همچنین سنت فکری و سیاسی است که عصر مدرن را با دوران باستان پیوند می‌زند (Ibid: 2-5). ایده شهروندی تداعی‌گر نوعی سنت سیاسی است که به بحث درباره درگیری افراد در شکل دادن به قوانین و تصمیمات جامعه می‌پردازد. با وجود این، تنها در دوره معاصر است که افراد خارج از پیوندها و ویژگی‌های انتسابی مورد خطاب قرار می‌گیرند (Stevenson, 2001: 6). همچنین، پاره‌ای از متفکران برآنند که مفهوم شهروندی نمایانگر میراث سیاسی عصر روشنگری است (Ivic, 2016: 13) و دامنه حقوق شهروندی از دوران باستان به این سو گسترده‌تر شده، گروه‌های بیشتری از مردم را در شمول خود آورده است و چارچوب شهروندی از امری محلی به نهاد گسترده دولتی بسط یافته است. مفهوم شهروندی شامل جایگاه قانونی و به رسمیت شناخته شدن سیاسی به‌عنوان عضو یک اجتماع و همچنین حقوق و تعهدات خاص مرتبط با عضویت است. کاپمن و همکاران

Koopmans, et al, 2005L 129) شهروندی را به مثابه «مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و هویت‌هایی تعریف می‌کنند که شهروندان را به دولت - ملت پیوند می‌دهد».

تحولات چند دهه اخیر نیز در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. از این رو، فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب‌ناپذیر شده است. شهروندی مقوله‌ای منتزع یا جدای از «فرهنگ شهروندان» نیست. فرهنگ شهروندی تداعی‌کننده نوعی اخلاق شهروندی است؛ وظایفی که شهروندان در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی و یا سایر شهروندان دارند و یا حداکثر به نوعی حقوق شهروندی روابط قراردادی میان شهروندان است (فکوهی، ۱۳۸۶). در واقع، فرهنگ شهروندی ایده‌ای است که بر اساس درک جدید از شهروندی مبتنی بر زندگی روزمره افراد قرار دارد که از مدل‌های سنتی شهروندی فراتر می‌رود. ویلیام گالستون^۱ (۱۹۹۱) از جمله متفکرانی است که با توجه به ایده «شهروند مسئول» به چهار فضیلت شهروندی یعنی فضایل عمومی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرده و بر اهمیت فرهنگ و فضایل شهروندی تأکید می‌ورزد. به باور گالستون، برای ایجاد جامعه و دولتی کارآمد، پیوند میان شهروندی و فرهنگ و برجسته شدن نموده‌های آن در فضیلت‌های شهروندی اهمیت خاصی دارد. در این راستا، گالستون بر فضائلی مانند وفاداری، ابراز وجود، اخلاق کاری و احترام به حقوق دیگری و... به عنوان پیش زمینه‌های شکل‌گیری جامعه باز مبتنی بر برابری و یکسانی تأکید می‌کند (Volpp, 2007: 577). فرهنگ شهروندی ناظر به مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی همچون مساوات‌طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم‌سالاری و مسئولیت‌پذیری مدنی شهروندان است. از نظر فالکس (۱۳۸۱: ۶۰-۵۹)، رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتماد‌پذیری و تعهد مدنی مؤثر است، زیرا تعهد مدنی بر توازن بین نفع فردی و جمعی استوار است. به عبارت دیگر سهم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی برای منافع کشور یا بهبود جامعه، معرف تعهد مدنی و فرهنگ شهروندی است.

علاوه بر آن، در ایران نیز موضوع و مسئله شهروندی و فرهنگ شهروندی و عناصر کلیدی آن در یکصد سال اخیر مورد توجه متفکران علوم اجتماعی، سیاستمداران و سیاست‌گذاران بوده است. در این راستا، مسائل عمده اجتماعی از جمله تخریب محیط

1. William Galston

زیست، چالش‌ها در ترافیک، عدم رعایت حقوق دیگری و به‌طور کلی، توسعه نیافتگی جامعه ایران در راستای نبود و عدم توجه به فضایل شهروندی یا فرهنگ شهروندی تشریح و تبیین می‌شود. کردستان ایران، به‌رغم وجود بافت متفاوت فرهنگی - قومی با جامعه ایرانی دارای وجوه همپوشان و هماهنگ در حوزه‌های سیاسی و مدنی بوده است. اما تلقی کردها به‌عنوان شهروندان درجه دوم و سوم بودن از سوی مردم، متفکران و حتی نمایندگان (برای مثال، نطق نمایندگان گُرد در مجلس، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۳)، بحث شهروندی و فرهنگ شهروندی در جامعه کردستان ایران را دارای پیچیدگی‌های خاصی کرده است؛ به نحوی که به نظر می‌رسد برای جامعه کردستان در ایران و به‌ویژه شهر سنندج، موضوع حقوق و تکالیف شهروندی از زوایای دیگر قابل طرح و مطالبه است. همچنین، کردستان ایران به‌طور کلی و شهر سنندج به‌طور خاص در سطوح پایین توسعه‌یافتگی اقتصادی و انسانی قرار دارند و این مهم مسائل عدیده‌ای را در این مناطق به همراه آورده است و از این زاویه نیز به نظر می‌رسد که مسئله شهروندی و فرهنگ شهروندی در سنندج از نمود و البته پیچیدگی خاصی برخوردار باشد. از سوی دیگر، پایین بودن آگاهی شهروندان به‌طور کل در ایران و به‌طور خاص در کردستان نسبت به فرهنگ شهروندی، از جمله مسائلی است که جامعه ایران از آن به‌صورت جدی رنج می‌برد. از این رو، فرهنگ شهروندی به‌عنوان یک «سازه اجتماعی مهم» می‌تواند نقش برجسته‌ای در حل مسائل پیچیده محلی و ملی داشته باشد. چرا که فرهنگ شهروندی بنا به محتویاتش هم به انجام حقوق و تکالیف شهروندی منجر می‌شود و هم متأثر از میزان قانونمندی، مسئولیت‌پذیری، هویت اجتماعی افراد و میزان آموزش آنهاست. با توجه به مباحث فوق، مطالعه حاضر در گام نخست درصدد ارزیابی قضاوت‌های ذهنی و عینی پاسخگویان در رابطه با ابعاد شهروندی (تعلق و عضویت، حقوق و تعهدات) و سپس میزان آگاهی از فرهنگ شهروندی و فضایل مدنی بوده و در نهایت، با شناسایی عوامل اثرگذار بر فرهنگ شهروندی در میان شهروندان سنندجی، درصدد است تا نقش فرهنگ شهروندی در انجام حقوق و تکالیف شهروندی را مورد آزمون و ارزیابی قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در ایران، تحقیقات متفاوتی در مورد مفهوم شهروندی صورت گرفته است (شیانی، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۲، لطف‌آبادی، ۱۳۸۵ و صرافانی و عبداللهی، ۱۳۸۷).

توسلی و نجات‌حسینی (۱۳۸۲) شهروندی را در ابعاد «مدنی، سیاسی و اجتماعی» مدنظر قرار می‌دهند و به شکل‌گیری و فراز و نشیب‌های این مفهوم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازند. شیانی (۱۳۸۱) در بررسی مفهوم شهروندی دو بعد اساسی حقوق و وظایف را برای مفهوم شهروندی در نظر گرفته و برخی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این مفهوم مانند منابع، آگاهی و میزان مشارکت اجتماعی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در مطالعه‌ای دیگر، فتحی و ثابتی (۱۳۹۱) فرهنگ شهروندی را در راستای توسعه ساختار شهری مورد بررسی قرار می‌دهند. در این مطالعه، فرهنگ شهروندی مبتنی بر مقولاتی مانند مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قانون سنجش شده است. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان تهرانی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت، پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط هستند. در پژوهشی دیگر، صرافی و عبدالهی (۱۳۸۷) سعی بر بررسی نقش قانون در مدیریت شهری و شکل‌گیری شهروندی داشته‌اند. لطف‌آبادی نیز در اثر خود سعی کرده با توجه به روند جهانی شدن، نقش و جایگاه و آموزش شهروندی را در این محیط و تأثیر آن بر هویت ملی مورد کنکاش قرار دهد. شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن برآورد که در میان جامعه مورد مطالعه آگاهی از حقوق بیش از مسئولیت‌هاست. محققان همچنین بر اهمیت سه متغیر رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت مدنی برای شهروندی تأکید کرده‌اند. در نتایج آنها رسانه‌های جمعی و مشارکت مدنی با آگاهی از مسئولیت‌ها و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رسانه‌های جمعی با آگاهی از حقوق معنادار بوده‌اند و رسانه‌های جمعی مهم‌ترین متغیر تبیین‌کننده آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها هستند. گنجی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای در حوزه فرهنگ شهروندی و آموزش‌های شهروندی، توجه به فرهنگ شهروندی و آموزش آن را به‌عنوان رویکردی نوین در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته تلقی کرده و نتایج مؤثر آن در توسعه پایدار، رفاه و پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی را عامل ضروری توجه به این مفهوم و آموزش آن قلمداد کرده‌اند. محققان فرهنگ شهروندی را با ابعادی چون مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و رعایت قوانین و مقررات سنجش نموده و این نتیجه رسیده‌اند که آموزش شهروندی اهمیت خاصی برای پایبندی به فرهنگ شهروندی داشته است. به عبارت دیگر، مولفان برآورد که آموزش‌ها، به‌ویژه آموزش مسئولیت‌پذیری می‌تواند در افزایش میزان پایبندی

مردم به فرهنگ شهروندی نقش به‌سزایی داشته باشد. همتی و احمدی (۱۳۹۳)، در مطالعه تبیین جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن، هشت مؤلفه مدارای اجتماعی، مشارکت‌جویی، انجام رفتارهای مدنی، اعتماد بین شخصی، عام‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، نوع دوستی و گرایش به پیروی از قانون را برای سنجش این مفهوم در نظر گرفته‌اند. محققان بر آن بودند که باورهای مذهبی اثر مثبت و احساس آنومی، اثر منفی بر شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی داشته است.

چانک ژاگ^۱ (۲۰۱۶)، در مطالعه پیامدهای فرهنگ شهروندی برای آموزش شهروندی در میان دانشجویان چینی بر دو مقوله «دانش مدنی» و «مشارکت مدنی» و تأثیر رسانه بر این دو زیر مجموعه فرهنگ شهروندی تأکید دارد. ژانگ بر آنست که رسانه‌ها می‌توانند اثر قابل ملاحظه‌ای بر افزایش دانش مدنی و مشارکت مدنی افراد داشته باشند و از این میان، اثر تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌ها بیش از سایر موارد بوده است. سانیا ایویچ (۲۰۱۶) در مطالعه فرهنگ شهروندی از زاویه پست مدرنیسم عقیده دارد که فرهنگ شهروندی در دوره معاصر مؤلفه‌ها و عناصری دارد که از مؤلفه‌های دوره مدرن کاملاً متفاوت است. این فرهنگ فهم رایج از دموکراسی را مورد تردید قرار داده و نوع تازه‌ای از فعالیت سیاسی را ترویج می‌کند. به باور او، فرهنگ شهروندی پست مدرن مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و وظایف شهروندان در پاسخ به چالش‌ها و مسائل مختلف است، بدون توجه و تأکید بر حمایت‌های دولتی. جسیکا فرناندز (۲۰۱۵)، در مطالعه فرهنگ شهروندی جوانان در امریکای لاتین به این نتیجه رسید که فرایند رعایت فرهنگ شهروندی پیوستاری از عضویت مبتنی بر هویت تا تقاضای حقوق و انجام مسئولیت‌ها را شامل می‌شود. جین بی‌مان (۲۰۱۳) در مطالعه فرهنگ شهروندی، مهاجرت و طبقه متوسط در فرانسه بر آنست که قومیت و نژاد همچنان اثر ماندگار و مهمی بر فرهنگ شهروندی مهاجران فرانسوی دارند. او همچنین بر اهمیت وضعیت اجتماعی - اقتصادی مهاجران بر میزان رعایت فرهنگ شهروندی تأکید می‌کند.

ارزیابی پیشینه تحقیق حاکی از آن است که مطالعات تجربی داخلی و خارجی در زمینه فرهنگ شهروندی محتوای فرهنگ شهروندی و ابعاد آن را یا محدود در نظر گرفته‌اند و یا بسیار گسترده؛ به نوعی که در پاره‌ای از مطالعات مباحث مربوط به سرمایه

اجتماعی و فرهنگی به عنوان زیرمجموعه فرهنگ شهروندی تعریف شده‌اند. از این منظر، تفاوت‌های قابل توجهی در عملیاتی شدن این مفهوم در مطالعات مختلف قابل مشاهده است و وحدت رویه‌ای در زمینه مواجهه عملی با مفهوم وجود ندارد.

۲. چارچوب نظری

جامعه‌شناسان کلاسیک خصوصاً وبر، دورکیم و تونیس، نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدرن جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی پدید آوردند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌شود و در نهایت به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی می‌گراید. از این منظر است که شهروندی عقلانی وبری، شهروندی مدرن و عرفی دورکیم و شهروندی عرفی و گزلفاشتی تونیس معنا پیدا می‌کند. البته در این میان، نوع نگاه مارکس به شهروندی تابع نظریه اجتماعی - سیاسی خاصی است. نگرش مارکس، به نوعی مشارکت تمام عیار غیربورژوازی در یک جامعه مدنی انقلابی است که تنها پس از فروپاشی جامعه سرمایه‌داری امکان تحقق پیدا خواهد کرد؛ اما بخش اعظم جامعه‌شناسی مدرن شهروندی، ادامه مسیر طرح شهروندی وبری و دورکیمی تلقی می‌شود (توسلی و نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۲: ۳۲). به باور گی‌ارمه، فرهنگ شهروندی مبتنی بر ویژگی‌های شناخت، تحصیل قواعد یک سلوک دموکراتیک حقیقی و اخلاق مدنی است (ارمه، ۱۳۷۶: ۲-۱۷۱). برای هامفری مارشال، شهروندی در روند شکل‌گیری دولت رفاه و طبقات اجتماعی در جامعه مدرن اهمیت می‌یابد. از نگاه مارشال، شهروندی موقعیتی است که به اعضای کامل یک اجتماع داده می‌شود و همه‌آنهايي که این موقعیت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این موقعیت به آنها می‌دهد، برابر هستند (Barbalet, 1998: 5). این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی، به موجب قانون تثبیت و حمایت می‌شود (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰). مارشال، حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند: ۱. حقوق مدنی^۱ که به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود مانند آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق دادرسی و عدالت. ۲. حقوق سیاسی^۲ شامل حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی

1. Civic-Legal Rights

2. Political Rights

و ۳. حقوق اجتماعی^۱ شامل حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی. به نظر مارشال، حقوق سه گانه شهروندی طی ۲۵۰ سال گذشته در غرب مراحل تحولی - تاریخی متفاوتی را پشت سر گذاشته است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۳۴۱). یکی از وجوه اصلی اثر مارشال، نظریه وابستگی متقابل^۲ انواع حقوق است که براساس آن، داشتن حقوق کامل مدنی و سیاسی بدون وجود استاندارد مشخصی از حقوق اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به شهروندی می‌داد، ناشی از این واقعیت بود که او تصور می‌کرد در جوامع دموکراتیک، شهروندی به معیار اصلی همبستگی اجتماعی تبدیل می‌شود (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۰۰). پارسونز، الگوی نظری شهروندی را براساس نظام جامعه‌ای خود ارائه می‌دهد. او در حوزه شهروندی، تأکید بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه زندگی اجتماعی دارد. به نظر او، مهمترین ارزش‌هایی که باعث تقویت فرهنگ شهروندی در جامعه می‌شود شامل برخوردار بودن از روحیه عقلانی، انتقادی و دانش علمی، احترام به قانون، بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون و درک همه‌جانبه از مفهوم شهروندی است (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۶۷). داروندورف، شهروندی را پویاترین ایده در تاریخ مدرن می‌داند. وی معتقد است که امروزه نمی‌توان تصویر پویایی از شهروندی در جامعه مدرن یافت، زیرا ایده شهروندی با تمام مفاهیم مهم مدرنیته پیوند خورده است. وی نقش شهروند را به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق برابر اولیه و اساسی مشارکت برای اعضای کامل اجتماع تعریف می‌کند (پیران، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲). از نگاه دارندورف سه عنصر این نقش عبارتست از:

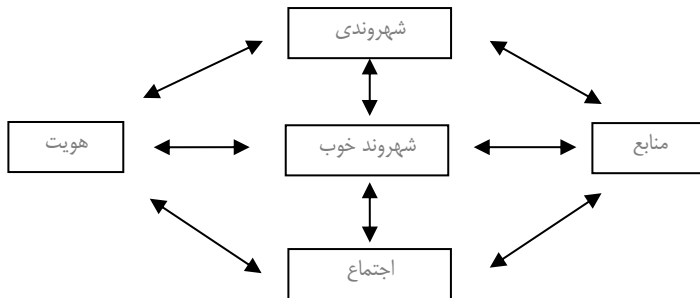
- مجموعه حقوق برابر برای تمام کسانی که آن را دارا هستند، بیشتر یک بیان است چون موقعیت حقوقی و شهروندی - برابری - دوجیز متفاوت هستند.
- شهروندی به معنای فرصت مشارکت در زندگی اجتماعی، در جوامعی که برخی شهروند و برخی ناشهروند هستند، به اقلیت خاصی تعلق می‌گیرد.
- شهروندی حقوق کلی و تعمیم‌یافته اعضای جامعه را که مرزهای آن تعریف شده با ملیت ترکیب کرده که در رابطه با نقش شهروند و گسترش اجتماع سیاسی فراتر از دولت، دارای اشکال است (همان، ۱۳۸۴).

ترنر تاریخ مدرن شهروندی را به‌مثابه یک سلسله دایره‌های گسترش‌یابنده‌ای تلقی

1. Social Rights

4. Interdependence

می‌کند که به وسیله نیروی حرکت، برخورد و مبارزه به پیش رفته‌اند. برایان ترنر در الگوی جامعه‌شناختی از شهروندی چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، اجتماع و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل باهم می‌داند. از نظر ترنر، این چهار مقوله با هم مدل شهروند خوب را به دست می‌دهند (Terner, 1999: 265). منظور ترنر از منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بهره‌مندی هر شهروند از این منابع در جامعه است که باید به نوعی مساوات طلبانه و عادلانه، این منابع، توسط نظام حاکم برای شهروندان تقسیم شود. حقوق اقتصادی مربوط می‌شود به نیازهای اساسی مانند غذا و سلامتی که نظام اجتماعی باید تمهیداتی را برای آن فراهم کند، و حقوق فرهنگی به امکان دسترسی همگانی شهروندان به رفاه و آموزش از سوی دولت مربوط می‌شود و در نهایت، حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان شهروندان توجه می‌کند. مجموعه این حقوق را باید حقوق اجتماعی نامید که از حقوق انسانی متمایز است. حقوق اجتماعی شامل کسانی می‌شود که عضو دولت و ملت یک جامعه هستند. آخرین عنصر این الگو، جماعت سیاسی است که زمینه‌ساز شهروندی در تمام ابعاد است. جماعت از نظر سیاسی به طور مشخص همان دولت و ملت یک جامعه است. زمانی که افرادی شهروند یک کشور می‌شوند، نه فقط ملتزم به رعایت یک سلسله حقوق و الزامات و تعهدات اجتماعی هستند و هویت خاصی را پذیرفته‌اند و به نوعی در شهر به صورت خوب و متعالی جامعه پذیر شده‌اند، بلکه به جماعت سیاسی خاصی وارد شده‌اند که دارای قلمرو جغرافیایی، تاریخی و سیاسی مشخص هستند که در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، گروه‌های اقلیت (اعم از دینی، سیاسی و...) است و می‌توان شهروندی سیاسی و فرهنگ آن را بررسی کرد و حقوق و وظایف‌شان را از این بعد مورد مطالعه قرارداد (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۲).



شکل ۱. الگوی جامعه‌شناسی برایان ترنر از شهروندی (Terner, 1999; 265)

پس از مطالعه مؤثر ویلیام گالستون و تحت تأثیر آن، محققان بر آن شدند که «شهروند مسئول» باید به مثابه مقوله‌ای مبتنی بر چهار فضیلت متمایز معرفی و درک شود: (۱) فضائل عمومی: شجاعت، اطاعت از قانون و وفاداری؛ (۲) فضیلت‌های اجتماعی: استقلال و روشن فکری. (۳) فضائل اقتصادی: اعتقاد به اخلاق کار، توانایی برای به تاخیر انداختن ارضای نفس، سازگاری اقتصادی و تغییرات تکنولوژیکی؛ و در نهایت، (۴) فضائل سیاسی: ظرفیت تشخیص حقوق دیگران و احترام به این حقوق، تمایل به تقاضا تنها برای آنچه می‌تواند از پس آن برآید، توانایی ارزیابی عملکرد در اداره، و تمایل برای شرکت در گفتمان عمومی (Kymlicka, 2000). به نظر می‌رسد این فضایل به لحاظ فرهنگی ارزش‌های خاصی هستند که از آنچه به عنوان اخلاق کاری پروتستان و روح سرمایه‌داری تلقی می‌شود، با الگوسازی از ارزش‌های گروه‌های اجتماعی غالب در قالب هویت شهروندان، حمایت می‌کند. در مباحث معاصر در مورد چندفرهنگی و شهروندی نیز این فضائل به عنوان دستورالعمل انتزاعی که از طریق آن تفاوت فرهنگی پردازش می‌شود، مجدداً ظاهر می‌شود. لیندا بوسنیایک (Bosniak, 2000: 447) در گونه‌شناسی اشکال مختلف شهروندی، مبتنی بر نوعی کار حقوقی به چهار گفتمان مختلف اشاره می‌کند: شهروندی به عنوان وضعیت حقوقی رسمی (که سبب تمایز شهروندان از دیگران یا بیگانگان می‌شود)، شهروندی به عنوان حقوق، شهروندی به عنوان فعالیت سیاسی، و شهروندی به عنوان هویت / همبستگی. توماس دنک و کریستین سن (Denk & Serup, 2016) با تأسی و توجه بر نظریه فرهنگ مدنی آلموند و وربا در راستای تدوین گونه‌شناسی نوینی از انواع شهروندی برآمده‌اند. آنها با توجه به مقوله‌های حقوق و تعهدات و همچنین با نگاه به دو بعد جهت‌گیری شهروندان نسبت به نظام سیاسی و جهت‌گیری آنها نسبت به نقش‌های سیاسی، چهار نوع شهروندی را معرفی می‌کنند. آنها در کنار فرهنگ مدنی به عنوان عالی‌ترین کیفیت شهروندی برای دموکراسی، بر انواع دیگری از شهروندی نیز تأکید می‌کنند.

جدول ۱. گونه‌شناسی شهروندی

جهت‌گیری نسبت به نظام سیاسی	پایین		بالا
	جهت‌گیری به نقش‌های سیاسی و مدنی	پایین	شهروند منتقد
	پایین	شهروند سرخورده	

شهروندان مدنی، افرادی هستند که نقش‌های فعالی در جامعه به عهده می‌گیرند و البته نگرش مثبتی نیز نسبت به نظام سیاسی دارند. به باور متفکران و البته سایر نظریه‌پردازان حوزه فرهنگ سیاسی و فرهنگ شهروندی این‌گونه شهروندی پیش‌نیاز اساسی برای شکل‌گیری و تحکیم نظام‌های دموکراتیک است (آلموند و وربا، ۱۹۶۵). شهروندان منتقد، کسانی هستند که اگرچه به لحاظ فرهنگ شهروندی و مشغولیت در فعالیت‌های سیاسی و مدنی در وضعیت مناسبی قرار دارند، اما جهت‌گیری منفی و انتقادات جدی نسبت به نظام سیاسی دارند. چنین گونه‌ای از شهروندی نیز اهمیت برجسته‌ای برای فعالیت‌ها و رشد فرایندهای دموکراتیک دارد. شهروندان منزوی، اگرچه نگرش مثبت به نظام سیاسی دارند، اما نگرش منفی نسبت به مشغولیت در فعالیت‌های مدنی و سیاسی دارند و در نهایت شهروندان سرخورده در هر دو بعد نگرش‌های منفی دارند و این دورترین نوع شهروندی در راستای فرهنگ شهروندی است. بر این اساس، وجه فرهنگی شهروندی در این‌گونه‌شناسی در واقع تأکید بر اهمیت مشغولیت و درگیری و عهده‌دار شدن نقش‌های سیاسی و مدنی در جامعه است.

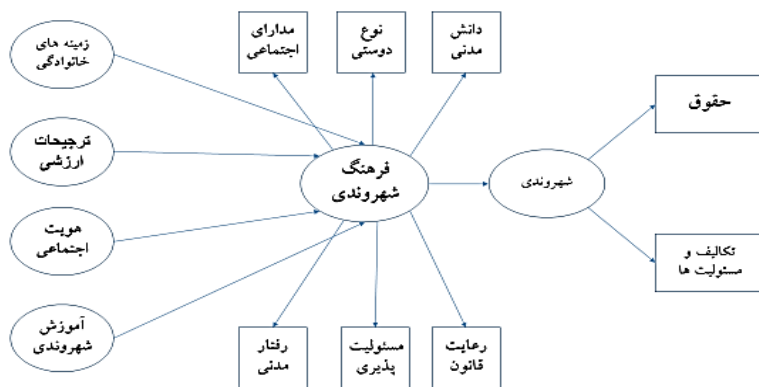
در ایران نیز پرویز پیران مبتنی بر مطالعات پیشین و با توجه به وضعیت شهروندی در جامعه ایران از شش نوع شهروندی یاد می‌کند: شهروندی سیاسی، شهروندی اجتماعی، شهروندی جنسیتی، شهروندی قومی - فرهنگی، شهروندی اقتصادی و بالاخره شهروندی جهانی (پیران، ۱۳۸۵). پاره‌ای از متفکران با توجه به ریشه‌های فرهنگی دموکراسی به صورت غیرمستقیم به فرهنگ شهروندی و عناصر مرتبط با آن پرداخته‌اند. لاری دیاموند در کتابش با عنوان «دموکراسی در حال توسعه: به سوی تحکیم» عنوان می‌کند که «دموکراسی باید به عنوان پدیده تکاملی ملاحظه شود، زیرا نه در این زمان و نه در هیچ دوره‌ای دموکراسی در جهان مدرن دولت - ملت‌ها به گونه دموکراسی که در آن همه شهروندان تقریباً منابع سیاسی یکسانی را دارا بوده و حاکمیت به‌طور کامل یا تقریباً کامل نماینده همه شهروندان باشد، کامل نبوده است» (Diamond, 1999: 18). دیاموند فرآیندهای تحکیم دموکراسی را در کشورهایی که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسیون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند، آزمون کرد و توجه او بر عوامل فرهنگی و سیاسی و جامعه مدنی متمرکز بود. دیاموند بر این باور است که دورنماهای موج چهارم دموکراتیزاسیون مبهم و تیره و تار هستند، به این دلیل که تقریباً همه کشورهایی که شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای دموکراتیک شدن داشته‌اند، پیش‌تر

دموکراتیک شده‌اند.

مروری بر ادبیات نظری و تجربی مرتبط با فرهنگ شهروندی نشان می‌دهد عوامل مرتبط با شهروندی و فرهنگ شهروندی متعدد و هر یک از اندیشمندان یک یا مجموعه‌ای از عوامل را در تکوین شهروندی و فرهنگ شهروندی مؤثر می‌دانند. در این راستا، بر اساس پیشینه‌های تجربی فوق و به‌ویژه با تأکید بر پژوهش‌های توسلی و نجات حسینی (ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندی)، صرافی و عبدالمهی (تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی)، گنجی و همکاران (آموزش شهروندی)، رضا همتی و وکیل احمدی (مدارا و اعتماد اجتماعی)، چانک ژاگ (آموزش دانش مدنی) و جسیکا فرناندز (جایگاه هویت در فرهنگ شهروندی) و مبتنی بر نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک (شهروندی، تعلق اجتماعی و انسجام اجتماعی)، گی ارمه (شهروندی در سایه آموزش)، مارشال (انواع سه‌گانه حقوق شهروندی)، پارسونز (عقلانیت در شهروندی)، ترنر (تعامل عناصر چهارگانه در شهروندی) و دنک و کریستین سن (شهروندی انتقادی و مدنی) فرضیات زیر در این مطالعه مدون شدند.

۳. فرضیه‌های پژوهش

- بین زمینه‌های خانوادگی و وضعیت فرهنگ شهروندی و ابعاد شهروندی (ذهنی، عینی تعلق و عضویت؛ حقوق و تعهدات) رابطه وجود دارد.
- بین ترجیحات ارزشی (مدنی - غیرمدنی) و وضعیت فرهنگ شهروندی و ابعاد شهروندی (ذهنی، عینی تعلق و عضویت؛ حقوق و تعهدات) رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت هویت اجتماعی شهروندان و وضعیت فرهنگ شهروندی و ابعاد شهروندی آن (ذهنی، عینی تعلق و عضویت؛ حقوق و تعهدات) رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت آموزش شهروندی و وضعیت فرهنگ شهروندی و ابعاد شهروندی (ذهنی، عینی تعلق و عضویت؛ حقوق و تعهدات) رابطه وجود دارد.



شکل ۲. مدل نظری تحقیق

۴. روش پژوهش

در این بررسی به اقتضای موضوع پژوهش که تحلیل تأثیر مؤلفه‌های ساختاری بر شهروندی و فرهنگ شهروندی در میان شهروندان سنندجی بوده و با توجه به امکانات، روش پیمایش به منزله مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای سنندجی بوده است و نمونه معرف مبتنی بر حداکثر پراکندگی و دقت بالا ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. در این پژوهش، جهت دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. در این راستا، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر روایی و پایایی مناسب در میان پاسخگویان توزیع شد.

جدول ۲. ضرائب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
ابعاد شهروندی (تعلق، عضویت، حقوق و تعهدات)	۴۵	۰/۹۱
فرهنگ شهروندی	۲۴	۰/۸۶
هویت اجتماعی	۸	۰/۷۲
آموزش شهروندی	۸	۰/۶۹
زمینه‌های خانوادگی	۱۰	۰/۸۲۱
ترجیحات ارزشی	۱۵	۰/۹۰۱

بر اساس جدول فوق، از آنجا که مقدار آلفای مربوط به هر متغیر تقریباً از ۰/۷ بیشتر

است، تمامی متغیرها به‌طور مجزا و دارای پایایی هستند.

۵. یافته‌ها و نتایج

یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که از نمونه تحقیق، ۲۰۸ نفر را مردان و ۱۹۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که این امر تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۳۸ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی بوده‌اند و میانگین سنی پاسخگویان ۳۳ سال بوده است. در مورد اشتغال نیز ۳۳/۴ درصد شغل خود را کارگر، ۱۷/۱ درصد کارمند، ۱۲/۳ بیکار و حدود ۳۵ درصد خانه‌دار عنوان کرده‌اند. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد «۷۰۰ تا یک میلیون تومان در ماه» بیشترین فراوانی را در میان پاسخگویان (۵۳/۶ درصد) و درآمد بالای سه میلیون تومان در ماه با ۴/۵ درصد فراوانی کمتر فراوانی را داشته است. در مورد وضعیت مسکن ۴۸/۷ درصد دارای مسکن ملکی هستند و بقیه فاقد مسکن شخصی هستند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای اسکان یافته‌اند. یافته‌های توصیفی پژوهشی بیش از همه نشان از آن دارد که شهروندان سنندجی در حوزه تعلق و عضویت در اجتماع سیاسی ایرانی نگرانی‌های جدی و خاصی دارند و بیش از همه بر حقوق شهروندی تأکید داشته و بر آن اصرار دارند و بحث تعهدات شهروندی برای آنها در درجات بعدی قرار دارد. مهمترین یافته توصیفی این مطالعه تأکید شهروندان سنندجی بر عدم توجه به جایگاه و نحوه عضویت آنها در جامعه و به‌ویژه اجتماع سیاسی ایرانی است. بر این اساس، یافته‌ها نشان از آن دارد که میانگین نمرات شهروندان سنندجی در نمره نگرش به وضعیت تعلق شهروندی (سنجش ذهنی تعلق شهروندی) در اجتماع ایرانی (نمره ۱۱ از حداکثر ۳۰ و حداقل ۶) پایین‌تر از میانگین سایر مؤلفه‌های شهروندی است. در رتبه بعدی نمره میانگین عضویت و حس تعلق به اجتماع ایرانی (سنجش تعلق عینی شهروندی) (نمره ۱۴ از حداکثر ۲۵ و حداقل ۵) قرار دارد که به تبعیت از وضعیت ذهنی این بعد نیز پایین‌تر از متوسط بوده و حکایت از آن دارد که شهروندان سنندجی عمدتاً و در درجه اول خود را به اجتماع محلی متعلق دانسته و سپس اجتماع ایرانی را مهم به‌شمار می‌آورند. همچنین نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین فرهنگ شهروندی نمره ۱۲۳/۱۱ از حد وسط نمره ۱۰۸ بوده است که گویای این واقعیت

است که فرهنگ شهروندی شهروندان بیشتر از حد متوسط بوده است و در همین راستا، میانگین تک تک ابعاد فرهنگ شهروندی نتایج مشابهی را نشان داد.

یافته‌های استنباطی

طبق نتایج آزمون پیرسون، وجود رابطه بین زمینه‌های خانوادگی و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود. رابطه تأیید شده نیز مستقیم (مثبت) و در حد متوسط به بالا (۰/۴۵۵) بوده است. وجود رابطه بین ترجیحات ارزشی و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود و رابطه تأیید شده، رابطه‌ای مستقیم و متوسط (۰/۳۰۲) است. همچنین وجود رابطه بین آموزش شهروندی و فرهنگ شهروندی تأیید می‌شود و رابطه تأیید شده، رابطه‌ای مستقیم (۰/۳۴۳) است. بدین معنی که با افزایش سطح آموزش شهروندی، وضعیت فرهنگ شهروندی نیز به همان نسبت ضعیف تغییر می‌پذیرد. در نهایت، وجود رابطه بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی نیز تأیید می‌شود (۰/۵۵۹).

جدول ۳. آزمون فرضیات و ارتباط متغیرهای تحقیق

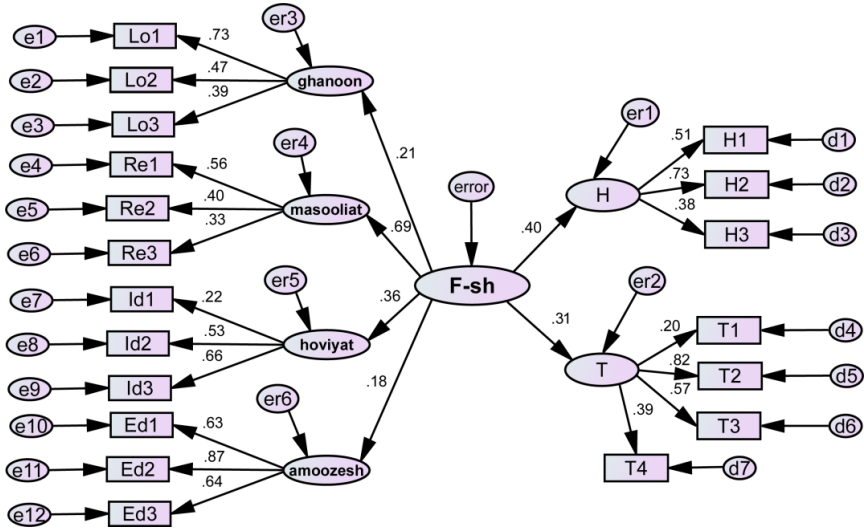
فرهنگ شهروندی		
شدت همبستگی	سطح معناداری	
۰/۵۵۹	۰/۰۰۰	هویت اجتماعی
۰/۴۵۵	۰/۰۰۰	مسئولیت‌ها و زمینه‌های خانوادگی
۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	آموزش شهروندی
۰/۳۴۳	۰/۰۰۰	ترجیحات ارزشی
۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	پایگاه اجتماعی - اقتصادی

۶. بررسی شاخص‌های برازش مدل

یافتن یک مدل نظری که به لحاظ آماری معنادار و همچنین دارای معنا و مفهوم نظری و کاربردی باشد، هدف اولیه به کارگیری مدل‌سازی معادله ساختاری است. در این روش، برای ارزشیابی برازندگی مدل، معیارهای زیادی وجود دارد. در جدول (۹) زیر این معیارها به همراه میزان مورد قبول و مقدار به دست آمده برای مدل پژوهش ارائه شده است. این شاخص‌ها برازندگی مدل طراحی شده را نشان می‌دهند و نشان‌دهنده برازندگی و تناسب خوب مدل است. به عبارتی، مدل نظری تحقیق تأیید می‌شود. از آنجایی که این مدل توسط شاخص‌های برازندگی تأیید شد، بنابراین می‌توان از آن برای آزمون فرضیه‌ها

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی مدل نهایی

تفسیر شاخص	برازش قابل قبول	مقدار به دست آمده	نماد	شاخص برازش	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۷/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	بزرگتر از ۷/۰	۰/۸۴۹	GFI	شاخص نیکویی برازش	شاخص‌های برازش مطلق
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۷/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	بزرگتر از ۷/۰	۰/۷۲۸	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۷/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	بزرگتر از ۷/۰	۰/۷۷۳	TLI	شاخص برازش هنجار نشده	شاخص‌های برازش تطبیقی
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۷/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	بزرگتر از ۷/۰	۰/۷۹۱	CFI	شاخص برازش تطبیقی	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۷/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	بزرگتر از ۷/۰	۰/۸۰۴	IFI	شاخص برازش افزایش	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۵/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	بزرگتر از ۵/۰	۰/۸۲۴	PNFI	شاخص برازش مقصد هنجار شده	شاخص‌های برازش مقصد
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده کمتر از ۱/۰ است، برازش مدل مورد تأیید است.	کوچکتر از ۱/۰	۰/۹۹۵	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطا برآورد	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده کمتر از ۳ است، برازش مدل تأیید می‌شود.	مقدار بین ۱ تا ۳	۲/۳۷	CMIN/df	نسبت کای دو به درجه آزادی	



نمودار ۱. مدل سازی معادله ساختاری برای تبیین و آزمون مدل فرهنگ شهروندی در سنندج

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	مقدار بحرانی	خطای معیار	برآورد	فرضیات پژوهش	
تأیید	۰/۰۰۰	۴/۹۶۸	۰/۰۶۳	۰/۳۱۳	فرهنگ شهروندی	زمینه های خانوادگی
تأیید	۰/۰۰۰	۴/۴۰۵	۰/۲۷۴	۱/۴۸۱		ترجیحات ارزشی
تأیید	۰/۰۰۶	۱/۰۵۳	۲/۲۲۹	۴/۳۵۵		هویت اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۰	۱۳/۹۶۰	۰/۰۷۶	۱/۰۶۱		آموزش شهروندی
تأیید	۰/۰۰۰	۲/۹۸۷	۰/۴۰۶	۱/۲۱۴	رعایت حقوق شهروندی	فرهنگ شهروندی
تأیید	۰/۰۰۰	۳/۶۶۴	۰/۳۳۴	۱/۲۲۴	انجام تکالیف شهروندی	

با توجه به اطلاعات حاصل از آزمون فرضیات، برآوردها و سطح معناداری نشان داده است که اثر همه متغیرها بر متغیر وابسته فرهنگ شهروندی معنادار بوده است. در مدل فوق، هویت اجتماعی با ضریب (۰/۶۹)، زمینه های خانوادگی با ضریب (۰/۳۶)، ترجیحات ارزشی با ضریب (۰/۲۱) و آموزش شهروندی با ضریب (۰/۱۸) توانسته اند اثر مستقیم و معناداری بر فرهنگ شهروندی شهروندان سنندج داشته باشند و همچنین خود فرهنگ شهروندی توانسته است با ضریب (۰/۴۰) اثر معناداری بر رعایت حقوق شهروندی و با

ضریب (۰/۳۱) اثر معناداری بر انجام تکالیف شهروندی داشته باشد. علاوه بر روابط ساختاری که همه معنادار شده‌اند، برای بعضی شاخص‌ها نیز یک نوع تحلیل عاملی در مدل وجود دارد. برای مثال، در مدل عاملی رعایت حقوق شهروندی سه متغیر حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی وجود دارند که هر سه متغیر با ضرایب بالایی توانسته‌اند شاخص رعایت حقوق شهروندی را تبیین کنند. بر اساس نتایج مدل، در بین این سه متغیر مفهوم حقوق اجتماعی با ضریب (۰/۷۳) توانسته است اثر معناداری بر رعایت حقوق شهروندی داشته باشد. همچنین در تحلیل عاملی این سازه سهم حقوق مدنی و حقوق سیاسی در تبیین رعایت حقوق شهروندی به ترتیب (۰/۵۱) و (۰/۳۸) بوده است. در مدل فوق تمامی روابط عامل و اثر آنها بر سازه‌های پژوهش معنادار شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگرچه سابقه تاریخی و دیرینه‌شناسی مفهوم شهروند و فرهنگ شهروندی نشان از تازگی و نو بودن این مفهوم دارد، اما به باور بسیاری از متفکران و علمای علم اجتماع و سیاست، این مفهوم از پویاترین مفاهیم اجتماعی و فرهنگی در دنیای مدرن بوده و همچنین به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل اجتماعی معاصر از آن یاد شده است. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر، فهم شهروندی و ارزیابی فرهنگ شهروندی مبتنی بر مقوله‌های نهادی و اجتماعی - فرهنگی در شهر سنندج بوده است.

مهم‌ترین یافته توصیفی پژوهش، توجه و نگرانی خاص شهروندان در رابطه با ابعاد شهروندی و تلاقی نگرش‌های ذهنی و عینیت موجود در تعلق و عضویت در فضای شهروندی جامعه ایران است که تبعات بسیاری برای فرهنگ شهروندی و عمل به محتویات آن و روند فعالیت‌های مدنی شهروندان سنندجی داشته است. بر این اساس، نتایج این مطالعه نشان دادند که میانگین نمرات شهروندان سنندجی در نمره نگرش به وضعیت تعلق شهروندی (سنجش ذهنی تعلق شهروندی) در اجتماع ایرانی (نمره ۱۱ از حداکثر ۳۰ و حداقل ۶) پایین‌تر از میانگین سایر مؤلفه‌های شهروندی است. در رتبه بعدی، نمره میانگین عضویت و حس تعلق به اجتماع ایرانی (سنجش تعلق عینی شهروندی) (نمره ۱۴ از حداکثر ۲۵ و حداقل ۵) قرار داشت که به تبعیت از وضعیت ذهنی این بعد نیز پایین‌تر از متوسط بوده و حکایت از آن داشت که شهروندان سنندجی عمدتاً و در درجه اول خود را به اجتماع محلی متعلق دانسته و سپس اجتماع ایرانی را مهم به شمار می‌آوردند. همچنین نتایج

توصیفی نشان می‌دهد که میانگین فرهنگ شهروندی نمره ۱۲۳/۱۱ از حد وسط نمره ۱۰۸ بوده است که گویای این واقعیت که فرهنگ شهروندی شهروندان بیشتر از حد متوسط بوده است و در همین راستا میانگین تک تک ابعاد فرهنگ شهروندی نتایج مشابهی را نشان داد. این نتیجه با نتایج مطالعات گنجی و همکاران (۱۳۹۳) و همتی و احمدی (۱۳۹۳) همخوانی دارد و البته با پاره‌ای از مطالعات تجربی کریستوفر کلاگ و همکاران (۲۰۰۱) و جان اریک لان و سوانته ارسون (۲۰۰۲) و همچنین پاره‌ای از مطالعات نظری مانند تز دیاموند (۲۰۰۳) با توجه به تأکید این مطالعات بر نبود فرهنگ شهروندی مناسب در کشورهای جهان سوم، ناهمخوان است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات، برآوردها و سطح معناداری نیز نشان داده است که اثر همه متغیرها بر متغیر وابسته فرهنگ شهروندی معنادار بوده است. در نتیجه متغیر زمینه‌های خانوادگی اثر معناداری بر فرهنگ شهروندی برجای گذاشته‌اند که این نتیجه با مطالعات تجربی شیانی (۱۳۸۱)، گنجی و همکاران (۱۳۹۳)، همتی و احمدی (۱۳۹۳) و جاک ژانگ (۲۰۱۶) همخوانی داشته است. نتایج همچنین موید نظریه‌های متفکرانی مانند ترنر، هابرماس و ارمه بوده است که همگی بر اهمیت خانواده و زمینه‌های خانوادگی برای فرهنگ شهروندی تأکید نموده‌اند. به علاوه، نتایج پژوهش حاضر حاکی از ارتباط معنادار مباحث هویتی و آموزش با فرهنگ شهروندی بوده است. این نتیجه البته در میان پژوهش‌های پیشین نتایج متضادی را نشان داده است. پاره‌ای از مطالعات بر اهمیت هویت و اجزاء و عناصرش و نقش مثبت آن برای شهروندی و فرهنگ شهروندی تأکید کرده‌اند. از جمله مطالعات تجربی همتی و احمدی و توسلی و مطالعات نظری پارسونز و ترنر. اما در این میان مطالعاتی نیز بوده‌اند که بر نقش نامناسب هویت و تأکید بر هویت‌های به ویژه قومی و دینی برای ترویج فرهنگ شهروندی و در نتیجه گسترش دموکراسی تأکید کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به لاری دیاموند و هانتینگتون اشاره کرد که هویت دینی، به ویژه هویت دینی - اسلامی را به عنوان مانع گسترش فرهنگ شهروندی و در نتیجه ظهور و بروز دموکراسی معرفی می‌کنند. دیاموند بر این باور است که دورنماهای موج چهارم دموکراتیزاسیون مبهم و تیره و تار هستند، به این دلیل که تقریباً همه کشورهایایی که شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای دموکراتیک شدن داشته‌اند، پیش‌تر دموکراتیک شده‌اند. هانتینگتون، عامل ناکامی دموکراسی در جوامع مسلمان را فرهنگ می‌داند. او می‌گوید که منع این ناکامی، حداقل در بخشی از طبیعت نامساعد اجتماع و فرهنگ اسلامی نسبت به مفاهیم لیبرال غرب نهفته است. اگرچه متفکران

دیگر در تضاد با این ایده بر اهمیت هویت و مباحث هویتی برای تقویت شهروندی و فرهنگ شهروندی تأکید نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به آنتونی گیدنز اشاره کرد. در مجموع، نتایج این پژوهش حکایت از وجود یک رابطه خطی و مستقیم بین آموزش به شهروندان، زمینه‌های خانوادگی، ترجیحات ارزشی و هویت اجتماعی با فرهنگ شهروندی دارد.

پیشنهادات

از جمله مهمترین یافته‌های این مطالعه، اهمیت تأکید ذهنی و عینی شهروندان سنجی بر تعلق به اجتماع محلی و پایین بودن حس تعلق به اجتماع ایرانی است. این مهم در بلندمدت می‌تواند آسیب‌های جدی به همبستگی ملی وارد کرده و موجبات واگرایی و محلی‌گرایی را فراهم سازد. علاوه بر آن، نتایج مطالعه حاکی از اهمیت اثر متغیرهای هویتی، ارزشی، آموزش و خانواده بر شهروندی و فرهنگ شهروندی است. بر این اساس و برای ارتقای پیوندهای شهروندی کردها با جامعه ایرانی و در نهایت تقویت همبستگی ملی میان آنها می‌توان پیشنهادهای زیر را مورد توجه قرار داد:

- متفکران اجتماعی، از جمله مؤلفه‌های مهم در ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی را عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند. از این منظر و در راستای نتایج مطالعه حاضر، پیشنهاد اصلی کوشش در جهت نهادینه ساختن ارزش‌های عام و مشترک میان اقشار و خرده فرهنگ‌های مختلف و تأکید بر عناصر و مؤلفه‌های مشترک ملی، تاریخی و هویتی است. در این راستا، تأکید بر پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک ایرانیان، تلاش‌ها در جهت پاسداشت، تقویت و تحکیم ارزش‌ها و هنجارهای آن و بازآفرینی فرهنگ ملی و همچنین، ایجاد معرفت فراگیر در اقشار مختلف ملت از طریق دستگاه‌های فرهنگی، رسانه‌ها، ناشرین، نویسندگان، هنرمندان و... اهمیت خاصی دارد.

- پیشنهاد مهم دیگر، ایجاد بسترهای مشارکتی در عرصه‌های متعدد است. ایجاد بسترهای مشارکتی برای اقوام مختلف ایرانی در عرصه‌های متعدد، از جمله فرصت‌های مناسبی است که با ایجاد ذهنیت مثبت در مناطق قومی، می‌تواند در برانگیختن حس تعهد، ایجاد انگیزه و افزایش امید آنان به آینده مؤثر افتد. سوابق چند سال اخیر گویای آن است که مردم ایران در مناطق قوم‌نشین، از آمادگی قابل ملاحظه‌ای برای مشارکت در

عرضه‌های سیاسی، اقتصادی و... برخوردارند؛ مشروط به آنکه چنین فرصتی به آنها اعطا شود. همچنین، پیگیری سیاست‌های عدم تمرکز و واگذاری اختیارات محلی و منطقه‌ای به دستگاه‌های محلی می‌تواند در بازآفرینی اعتماد دوجانبه و تقویت حس تعلق به اجتماع ایرانی کمک کند.

- علاوه بر آن، از جمله عناصر مهم دیگر در حوزه فرهنگ شهروندی، بحث آگاهی شهروندی است و به نظر می‌رسد که ارتقای رشد سیاسی همه اقشار مردم و آگاه کردن آنها در مورد مناسبات شهروندی و اجتماعی، چالش‌ها و مناقشات می‌تواند راهگشا باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ارمه، گئی (۱۳۷۶). فرهنگ دموکراسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس.
۲. توسلی، غلام عباس (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات سمت.
۳. توسلی، غلامعباس و سیدمحمود نجاتی حسینی (۱۳۸۲). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
۴. جهانگیری، رضا (۱۳۸۱). شهرنشینی و شهروندی، چکیده مقالات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی، اصفهان: انتشارات مچبان.
۵. حسنی، محمد، میرنجف موسوی و سکینه حبیبی قراتپه (۱۳۹۱). سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها (مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه)، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۲، شماره ۳.
۶. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۰). اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵.
۷. رابرتسون، رابرت (۱۳۸۲). جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
۸. روشه، گئی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات تیان.
۹. شارع‌پور، محمود، اکبر علیوردی‌نیا و مریم شعبانی (۱۳۹۵). بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط آن، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۶، شماره ۱۸.
۱۰. شریتیان، محمدحسین (۱۳۸۷). تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، فصلنامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، سال دوم و سوم، شماره ۸ و ۹.
۱۱. صالحی‌امیری، رضا (۱۳۸۹). مجموعه مقالات مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۲. عاملی، سعید (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.
۱۳. غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۱). نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم.
۱۴. فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصل و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۵. فالكس، كیث (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
۱۶. فتحی، سروش و مریم ثابتی (۱۳۹۱). توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۲.
۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
۱۸. گنجی، محمد، محسن نیازی و اسما عسکری کویری (۱۳۹۳). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۴، شماره ۱۲.
۱۹. نامی، داود (۱۳۸۴). هویت پویای شهروندی، تهران: نشر اعتماد.

۲۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴). نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی، تهران: مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴.
۲۱. هاشمیان فر، سیدعلی و شهرزاد عجمی (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان، مطالعات شهری، سال دو، شماره ۳.
۲۲. هاشمیان فر، سیدعلی و محمد گنجی (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۳.
۲۳. همتی، رضا و وکیل احمدی (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه: شهر ایوان)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸.

ب) منابع لاتین

1. Beaman, Jean (2016). Citizenship as cultural: Towards a theory of cultural citizenship, *Sociology Compass*, Vol 10.
2. Beaman, Jean. (2013). French in the eyes of others: cultural citizenship, marginalization, and France's middle-class North African second-generation, European University Institute, Max Weber Program, Italy, EUI Working Paper .
3. Bosniak, Linda (2000). "Citizenship Denationalized (The State of Citizenship Symposium) ," *Indiana Journal of Global Legal Studies*: Vol. 7, Iss. 2.
4. Cohen, M. (2010). T. H. Marshall's 'Citizenship and social class. *Dissent magazine*, www. dissentmagazine.org.
5. Denk, Thomas & Christensen, Henrik Serup (2016). How to classify political cultures? A comparison of three methods of classification, *Quality and Quantity Journal*, Vol 50, No 1.
6. Diamond, L (1999). *Developing Democracy: Toward Consolidation*,. Baltimore: The Johns Hopkins University Press .
7. Fernandes, Jesica (2015). *Latino Youth Cultural Citizenship: Re-Conceptualizing Dominant Constructions of Citizenship through Membership, Sense of Belonging, Claiming Space and Rights*, Ph. D. , Psychology (Latin American and Latino Studies) , UC Santa Cruz .
8. Galston, William A. (William Arthur) (1991). *Liberal purposes: goods, virtues, and diversity in the liberal state*. Cambridge; New York: Cambridge University Press .
9. Hamatt, D and L. Staeheli (2011). *Respect and Responsibility: Teaching Citizenship in South Africa High Schools*, *International Journal of Educational Development*, Vol 31, No 1.
10. Iija. V. I (2011). *An Analysis of the Concept of Citizenship: Legal, Political and Social Dimensions*, Master's Thesis, University of Helsinki, Faculty of Social Sciences, Social and Moral Philosophy .

11. Ivic, S (2016). Citizenship as Discursive Practice: The Postmodern Culture of Citizenship, *Journal of Philosophy, Culture and Religion, An International Peer-reviewed Journal*, Vol. 19 .
12. Koopmans, R. , Statham, P. , Giugni, M. , & Passy, F. (2005). *Contested citizenship: Immigration and cultural diversity in Europe*. Minneapolis: University of Minnesota Press .
13. Kymlicka, Will and Norman, Wayne (2000). "Citizenship in Culturally Diverse Societies: Issues, Contexts, Concepts" in Will Kymlicka and Wayne Norman (eds.): *Citizenship in Diverse Societies*. Oxford University Press, Oxford .
14. Stevenson, N. (2001). *Culture and Citizenship*, London: Sage Publications, Ltd .
15. Turner, Bryan S, (1990) *Outline of A Theory Citizenship*, *Sociology*, Vol 24, No. 2.
16. Volpp, Leti (2007). *The Culture of Citizenship*, *Theoretical Inquiries in Law*, Vol 8.
17. Volpp, Leti (2011). *Denaturalizing Citizenship: A Symposium on Linda Bosniak's The Citizen and the Alien and Ayelet Shachar's The Birthright Lottery*, *Issues in Legal Scholarship*, Vol. 9, Iss 1.
18. Zhang, C (2016). *Cultural Citizenship and its Implications for Citizenship Education: Chinese University Students' Civic Experience in relation to Mass Media and the University Citizenship Curriculum*, Degree of Doctor of Philosophy, School of Education, College of Social Science, University of Glasgow .